

## اهمیت آموزش قانون در مدرسه و نقش آن در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و کاهش جرایم کیفری

رضا میجانی

کارشناسی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مطهری (ره) و دانش‌تطلب سطوح عالی حوزه علمیه قم

### چکیده

هدف از این مقاله بررسی اهمیت آموزش قانون در مدرسه و نقش آن در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و کاهش جرایم کیفری است و به این سؤال پرداخته می‌شود که آیا آموزش قانون در مدرسه در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و کاهش ارتکاب جرایم مؤثر است؟ مقاله حاضر، حاصل پژوهشی است که به صورت توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و محتوا و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مراجعه مستقیم به منابع کتابخانه‌ای بر خط و فیش‌برداری از منابع مختلف علمی در حوزه قبح عقاب بلا بیان جهت آموزش قوانین و مقررات در مدرسه نوشته شده است. این مقاله تحلیلی و توصیفی و تمثیلی حائز نتایج و دستاوردهای مهمی است همچون: ۱- آموزش قوانین و مقررات در مراکز علمی و آموزشی می‌تواند به‌عنوان یک عامل اصلی جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی باشد. ۲- آموزش اصولی و مناسب در تمام سطوح تحصیلی نیازمند هنرمندی و خلاقیت استاد و معلم است، بالاخص آموزش قوانین و مقررات که علاوه بر این که نیازمند فهم تخصصی از قانون است، بیان آن قوانین به مخاطب نیازمند هنر و هنرمندی خاص معلم است. ۳- لزوم طراحی و اجرای طرح قانون در مدرسه جهت بیان قوانین و مقررات در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی و باهدف آشنایی دانش‌پذیران با حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی خود و همچنین کاهش جرایم کیفری و حجم ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی. ۴- لزوم فرهنگ‌سازی حقوقی و قضایی توسط نهادهای آموزشی و فرهنگی با همکاری نهادهای نظارتی قوه قضائیه. ۵- امکان تربیت نیروی متخصص و متعهد و جذب نیروهای انسانی بالقوه از مقطع تحصیلی دبیرستان با استفاده از طرح قانون در مدرسه و ایجاد تفاهم نامه همکاری قوه قضائیه با وزارت آموزش و پرورش.

**واژه‌های کلیدی:** قاعده قبح عقاب بلا بیان، کاهش جرایم کیفری، آموزش قانون در مدارس، توسعه آموزش و بینش حقوقی، تقویت انضباط اجتماعی

**مقدمه:**

یکی از عوامل شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی جهل ویی اطلاعاتی است، اگر در زمینه‌های حقوقی اطلاعات کافی در مدارس و مراکز علمی و فرهنگی و آموزشی، آموزش داده بشود بی شک شاهد کاهش چشمگیر آسیب‌های اجتماعی و جرایم توسط دانش‌آموزان و دانشجویان خواهیم بود. آشنایی با قوانین و مقررات هرچند به صورت اجمالی عامل مفید و بازدارنده ایی است که تا حدودی می‌تواند از ارتکاب جرایم جلوگیری کرده و به دنبال آن نظم و پیروی از مقررات در جامعه نهادینه می‌شود. باتوجه به وجود مشکلات فراوان در نظام آموزش فعلی و عدم چاره‌اندیشی مناسب در این زمینه پژوهش حاضر از اهمیت و جایگاه ویژه ایی برخوردار است چرا که در این پژوهش علاوه بر آسیب‌شناسی در حوزه مذکور جهت برون رفت از چالش‌های موجود پیشنهادها و طرح‌های سازنده ایی ارائه شده است.

همچنین در اهمیت پژوهش حاضر می‌توان گفت که یکی از مشکلات مهم و اصلی جامعه در عصر حاضر افزایش آسیب‌های اجتماعی است که در واقعیت باعث ایجاد چالش‌های فرهنگی و اجتماعی و قضایی مختلف شده است و زندگی فردی و اجتماعی و حتی خانوادگی افراد را تحت الشعاع قرار داده است. در پژوهش حاضر روش انتخاب معلم و شیوه‌های تعلیم و آموزش قوانین در مدارس و مراکز علمی و نقش و اهمیت ویژه آن در کاهش ارتکاب جرایم و آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله حاضر، حاصل پژوهشی است که به صورت توصیفی و تحلیلی و محتوا و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مراجعه مستقیم به منابع کتابخانه ایی و فیش برداری صورت گرفته است.

**آیا آموزش قانون در مدرسه در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و کاهش ارتکاب جرایم موثر است؟**

بدون شک از آنجا که ریشه بسیاری از مشکلات فقرآموزشی و علمی است، تعلیم و آموزش قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در مراکز علمی و آموزشی همچون مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی می‌تواند تا حد زیادی به عنوان یک عامل بازدارنده آموزشی عمل کرده و افراد را با علم به آینده و عقاب و کیفر قانونی آن رفتار از ارتکاب جرایم و انجام ضد ارزش‌های اجتماعی بازدارد و این اقدام یک گام اصلی و مهم جهت حرکت به سمت یک مدینه قانونمدار با تربیت افراد صالح و شایسته برای خدمت به حکومت عدل الهی خواهد بود.

**معنای لغوی تعلیم**

در فرهنگ‌های لغت از لفظ تعلیم به عباراتی همچون سَلِّك التَّعْلِيمِ: «أَنْخَرَطَ فِي التَّعْلِيمِ» (درگیر در آموزش شد) و تلقین انواع المعارف، (آموزش و تفهیم امور تربیتی و پرورشی) إِرْشَاد و تَوْجِيه إِلَى قَوَاعِدِ السُّلُوكِ أَوْ الدِّينِ أَوِ الْأَخْلَاقِ (هدایت و دلالت به سوی احکام و قواعد دینی و اخلاقی و رفتاری) تعبیر شده است.

<sup>۱</sup> (المنجد في اللغة العربية المعاصرة، ج ۱، ص ۱۰۱۴)

## معنای اصطلاحی تعلیم

در اصطلاح، تعلیم به معنای آموزش و یاد دادن علوم و فنون مختلف همچون عربی و فارسی و رومی و امثال آن می باشد.<sup>۲</sup>

### مفهوم معلم

تعلیم و تعلم و آموزش و آموزش پذیری دو رکن مهم در هدایت جامعه بشریت هستند که در منابع مختلف اینگونه از آن ها صحبت شده است:

هذا التعلیم و التعلّم الذهنی قد یکون بین إنسانین، و قد یکون بین إنسان واحد و نفسه من جهتین: این آموزش و آموزش پذیری ذهنی به دو صورت است، گاهی بین دو انسان است و گاهی بین یک انسان و خودش از دو جهت، فیکون من جهة ما یحدس بالحدّ الأوسط فی القیاس مثلاً - معلّمًا، پس در نتیجه از جهت آنچه که در قیاس به عنوان حد وسط حدس می زند به عنوان معلم تلقی می شود و من جهة ما یتستفید نتیجۀ من القیاس - متعلّمًا و از جهت آنچه که از نتیجه قیاس استفاده می شود دانش پذیر یا دانشجو تعبیر می شود.

و التعلیم و التعلّم بالذات واحد، و بالاعتبار اثنان. و در واقع تعلیم و تعلم از نظر ذاتی یک قسم و به لحاظ اعتباری بر دو قسم هستند. (موسوعه مصطلحات علم المنطق عند العرب، ج ۱، ص ۹۳۴)

## معنای لغوی و اصطلاحی جرم

از جرم در فرهنگ های لغت عربی به ج اجرام و جروم: ذنب: «إِرتکبَ جُرْمًا»<sup>۳</sup> یعنی مرتکب گناه شدن یاد شده است اما معنای اصطلاحی جرم با معنای لغوی تفاوت هایی دارد که قابل تامل می باشد. در اصطلاح و عرف جرم شناسان به هر فعل یا رفتار یا ترک فعلی که در قانون مجازات اسلامی برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم می گویند<sup>۴</sup> و طبق این تعریف جرم ضابطه قانونی دارد و در پاسخ به این سوال که چه رابطه ای بین جرم لغوی و اصطلاحی وجود دارد باید گفت که باتوجه به این که در قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران برخی از مجازات ها مبنای شرعی دارد و مبتنی بر نص شرعی است مانند حدود و قصاص و دیات و بخشی از تعزیرات، پس در واقع می توان گفت که رابطه بین جرم لغوی و اصطلاحی عموم و خصوص من وجه است چراکه برخی از جرایم در قانون مجازات که جنبه شرعی یا حق الناسی دارند به عنوان گناه شرعی تلقی می شوند و برخی دیگر از قوانین و مواد قانون مجازات که فاقد این وصف باشند شامل گناه شرعی نمی شوند.

## ماهیت آسیب های اجتماعی

آسیب های اجتماعی حاصل رفتارهای ضد اجتماعی فردی یا جمعی می باشد که به صورت عمدی یا غیرعمدی صورت می گیرند و موجب آزار و ناراحتی افراد دیگر می شوند یا صدمات اجتماعی، اقتصادی، روانی و محیطی به جامعه وارد می کنند. آسیب های اجتماعی شامل مفهومی است که از تعاریف قانونی جرم، فراتر رفته و اعمال غیراخلاقی، نادرست و آسیب رسان را که لزوماً غیرقانونی نیستند، شامل می شود. (۱۴۰۲، زائرپور، بشیر؛ عبدالرضا عابدی)

<sup>۲</sup> (الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربی و الإسلامی، ج ۱، ص ۶۹۷)

<sup>۳</sup> معلوف لویس. ۲۰۰۰. المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة. بیروت - لبنان: دار المشرق.

<sup>۴</sup> ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۳/۸

**جایگاه خطیر معلم**

معلم در مقام تعلیم و تربیت از جایگاهی والا و رفیع و خطیر و مهم برخوردار است به نحوی که وظیفه او فقط تعهد به وسیله نیست بلکه تعهد به نتیجه است. یعنی فقط نباید به معلم به عنوان شخصی بنگریم که صرفاً وظیفه اش آموزش مطالب و اندوخته های نوشته شده در کتاب های مختلف است بلکه معلم با استفاده از این منابع و کتاب ها باید بتواند روحیه تفکر و بینش حقیقی را در بین دانشجویان خود تقویت کند، این مهم، تکلیف معلم و حق یک دانشپذیر در فرایند علم آموزی است، و وقتی که صحبت از حق و تکلیف به میان می آید هیچ کس نمی تواند از تعهدات ناشی از آن شانه خالی کند. در پاسخ به این سوال که چرا تعهد یک معلم تعهد به نتیجه است باید گفت که در واقع معلم همچون تولید کننده یک محصول است که براساس تجربه عینی اگر یک تولید کننده، محصولی باکیفیت تولید کند به تمام جامعه بشریت خدمت کرده است و بالعکس اگر محصول مذکور فاقد امتیازات لازم باشد نه تنها فعالیت تولیدی حساب نمی شود بلکه آن فرد تولیدکننده (معلم) در ایجاد آسیب های احتمالی سهیم خواهد بود. مسئله اول که باید بحث کنیم همان مسئله پرورش عقل و فکر است. در اینجا ما دو مسئله داریم: یکی مسئله پرورش عقل و دیگر مسئله علم. مسئله علم همان آموزش دادن است. «تعلیم» عبارت است از یاد دادن. از نظر تعلیم، متعلم فقط فراگیرنده است و مغز او به منزله انباری است که یک سلسله معلومات در آن ریخته می شود. ولی در آموزش، کافی نیست که هدف این باشد. امروز هم این را نقص می شمارند که هدف آموزگار فقط این باشد که یک سلسله معلومات، اطلاعات و فرمول در مغز متعلم بریزد، آنجا انبار بکند و ذهن او بشود مثل حوضی که مقداری آب در آن جمع شده است. هدف معلم باید بالاتر باشد.<sup>۵</sup>

اگر بخواهیم در خصوص تعهد به نتیجه معلم و جایگاه خطیر معلمی، گام های جدی برای پیشرفت برداریم باید به نکات زیر دقت و توجه واهتمام ویژه داشته باشیم:

**گام اول:** فرایند انتخاب معلم شایسته

**گام دوم:** فرایند آموزش صحیح به معلم

**گام سوم:** برنامه نظام مند و هدفمند فردی و جمعی

**گام چهارم:** ارزیابی عملکرد و نتایج عملی یک معلم

**گام پنجم:** همکاری و نظارت سایر ارگان های نظارتی بر عملکرد آموزش و پرورش

**گام اول: انتخاب معلم شایسته**

اولین و مهم ترین گام جهت تقویت یک نظام آموزشی و اعتلای زیر ساخت های فرهنگی به انتخاب معلم شایسته ارتباط دارد چراکه انتخاب معلم شایسته به عنوان خشت اول و سنگ اول در زیربنای آموزش و تعلیم و پرورش است و اگر در این مرحله تسامح و غفلت صورت بگیرد آسیب های فراوانی در سطح فردی و بالاخص اجتماعی و کلان گریبان گیر جامعه و نظام حقوقی و فرهنگی یک کشور خواهد شد.

در انتخاب یک معلم شایسته باید تا حد امکان فرد انتخابی جامع شرایط لازم برای مدیریت و آموزش و همچنین هنرخطابه جهت تعلیم مطالب آموزشی به نسل جوان باشد چرا که جامعه امروز معلم بی هنر و یک نواخت و خسته کننده را قبول نمی

<sup>۵</sup> مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ج ۲۲؛ ص ۶۸۸

کند و آثار عدم مقبولیت چنین معلمی نزد دانشپذیر این است که نمی تواند به درستی تعلیمات لازم را از معلم خویش فرا بگیرد.

هنر و هنرمندی یک معلم در بیان مطالب و آموزش، تفاسیر زیادی می تواند داشته باشد یک تفسیر عامیانه این است که همانطور که یک هنرمند و بازیگر تلویزیون و سینما با ایفای نقش در یک فیلم می تواند هزاران پیام را به مخاطبان میلیونی خود منتقل کند و آن پیام تا مدت ها در ذهن مخاطبان باقی بماند، یک معلم هنر مند هم باید به گونه ایی هنرخویش را آشکار کند و هنرمند باشد که در مرحله اول خوب آموزش بدهد و در مرحله دوم آموزش های او به آسانی در دل و جان مخاطب بنشیند.

پس در یک نتیجه گیری کلی می توان یک قاعده را مشخص کرد برای انتخاب معلم و آن قاعده این است که یک معلم لازم است که در مرحله اول علاوه بر عالم بودن در حوزه علمی خود ضرورتا باید هنرمند هم باشد تا بتواند این آموخته ها و تجربیات خود را به شکل صحیح به مخاطب نسل جوان منتقل نماید پس در واقعیت هنگام جذب یک معلم معیارهای هنرمند بودن از قبیل: ظاهر آراسته، اخلاق و آداب اجتماعی، نوع بیان و حرف زدن، نوع گام برداشتن، نحوه بیان و بالا و پایین کردن صدا به فراخور موقعیت و استفاده از زبان بدن و روانشناسی تدریس و... در کنار گزینش علمی باید مورد توجه قرار بگیرد تا شاهد افزایش کمی و کیفی معلم ها و اساتید شایسته در جایگاه خطیر معلمی باشیم.

### گام دوم: آموزش صحیح به معلم

دومین گام جهت اعتلای یک نظام آموزشی که از آن به مصالح و مواد اولیه نظام آموزشی تعبیر می شود آموزش صحیح به معلم می باشد، که این آموزش به دوی بخش آموزش پیش نیاز و مستمر تقسیم می شود، آموزش پیش نیاز آن است که فردی در آزمون استخدامی قبول می شود بالفعل معلم نیست بلکه استعدادها و علایقی دارد که او را به این سمت و سو کشانده است و بعد از قبولی در این نظام تربیتی ارزشمند کار اصلی آموزش و پرورش شروع می شود چرا که آموزش و پرورش باید بتواند به شکل صحیح تمام آموزش های کاربردی و اصولی را به معلم های بالقوه خویش ارائه کند تا معلم های بالقوه عزیز و گرامی را برای مرحله فعلیت یعنی تدریس در مقابل جمع دانش آموزان آماده کند.

بخش دوم آموزش مستمر می باشد که بعد از مرحله اول با توجه به لزوم آسیب شناسی که کارشنان محترم در ابعاد مختلف فرهنگی و تربیتی و آموزشی و حقوقی ارائه می دهند، آموزش مستمر لازم است.

مرحله لزوم آسیب شناسی و اقتضای زمان و شرایط مناسب یعنی این که در طول سالیان تدریس یک معلم، براساس طرح هایی که از مراکز علمی و فرهنگی ارائه می شود باید آموزش متناسب با هر طرح به فرد معلم ارائه بشود تا بتواند در مسیر روشننگری و تبیین گام بر دارد.

### گام سوم: طراحی و تدوین برنامه نظام مند و هدفمند فردی و جمعی

در بیان اهمیت برنامه نظام مند و هدف مند لازم است که دو نکته بیان بشود:

**نکته اول:** در ورزش والیبال برای اخذ امتیاز و زدن بهترین ضربه به توپ در هنگام بازی، طبق دستورات فنی و اصولی، مرسوم است که باید سه گام اولیه بازیکن به صورت اصولی باشد که این سه گام ابتدایی همچنین در نظام آموزش و پرورش هم وجود دارد و زمینه ساز پرورش و اعتلای آن می باشد که دو گام ابتدایی آن ذکر شد.

گام سوم یک نظام آموزشی این است که باید هدف داشته باشد، هدف و هدفمندی نیاز به اندیشه دارد چرا که با اندیشه است که می توان یک برنامه هدفمند طراحی کرد، زیبایی برنامه به خوب بودن آن نیست بلکه زیبایی و خوب بودن یک برنامه هدفمند به اصولی بودن آن منوط می باشد. منظور از اصولی بودن یک برنامه این است که یک برنامه باید براساس منابع موجود و استعدادها و قوه های موجود باشد والا اگر یک برنامه فراتر از حد توان طراحی شده باشد شاید در ابتدای امر در مرحله اجرا شروع قوی داشته باشیم اما این عمل و اجرای برنامه، مستمر و پایدار نخواهد بود.

به قول معروف ما مشکل فقدان برنامه نداریم چراکه برنامه و طرح در کشور عزیزمان زیاد است اما افرادی که بتوانند برنامه اصولی طراحی کنند، یعنی برنامه ایی طراحی کنند که تا حد زیادی اجرا بشود کم است، و باید در این زمینه تفکر و فعالیت بشود چرا که در واقع یک کارشناس در حوزه تعلیم باید برنامه ایی طراحی کند که براساس منابع و استعدادهای بالقوه موجود و مبتنی بر شرع و موازین حقوقی و اسلامی جهت برون رفت از آسیب های فعلی باشد، یعنی برنامه و طرح باید جهت و هدف داشته باشد که یکی از این اهداف و جهت ها که ضرورتا همیشه باید به آن دقت بشود آسیب های اجتماعی و حقوقی می باشد؛ چرا که گاهی اوقات ریشه آسیب های اجتماعی به همین مرحله بر می گردد چون که کارشناسان محترم طرح های مصوب، گاهی یکی از دورکن مبتنی بر منابع و استعداد های موجود و موازین حقوقی و شرعی بودن را نادیده می گیرند یا اصلا به آن توجه نمی کنند که در نتیجه این غفلت غیر عمدی یا عمدی یا تسامحی نتایج زیان باری گریبانگیر نظام فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و حقوقی و اجتماعی یک کشور می شود.

**نکته دوم:** هنگامی که تصمیم جدی جهت طراحی یک برنامه هدفمند گرفته می شود ضرورتا باید مواردی را در نظر گرفت که قابلیت اجرا در سطح خرد و کلان داشته باشد؛ یعنی در حقیقت برنامه باید به فراخور شرایط زمانی و مکانی نوعی ارتباط پیوسته بین اجزا آن وجود داشته باشد به عنوان مثال: اگر برای سطح خرد برنامه ریزی می شود این برنامه ریزی باید در راستای اهداف کلان باشد تا اعضای جامعه خرد بتوانند براساس برنامه ریزی انجام شده خود را برای خدمت به جامعه کلان آماده نمایند، این مهم یعنی برنامه ریزی و آماده سازی جامعه خرد از وظایف نهاد ارزشمند آموزش و پرورش می باشد، اما این نهاد برای رشد و اعتلای جامعه به عنوان یک شرط لازم می باشد اما به تنهایی شرط و علت تامه و کافی نمی باشد چرا که باید سایر ارگان ها هم در راستای اهداف متعالی اسلامی و تشکیل مدینه فاضله و کاهش جرایم کیفری و حقوقی و آسیب های اجتماعی با این نهاد ارزشمند همکاری نمایند.

در پاسخ به این سوال که راهکار اصلی جهت تقویت و اصلاح آسیب های موجود در برنامه های آموزشی و فرهنگی در مرحله برنامه ریزی و اجرا چه می باشد؟ باید بیان کرد که هدف یک نظام آموزشی این است که نیروی کار لازم و متخصص برای تشکیل مدینه فاضله تربیت کند، تربیت و تخصص مراحل دارد که باید طی بشود و هر مرحله به یک نهاد مربوط است. اما آن چه که حائز اهمیت و ضروری است، آن است که بخش قابل توجهی از منابع و نیروی انسانی جوان ما با توجه به عدم استعدادیابی مناسب و عدم برنامه ریزی های اصولی و حمایت، در حال حاضر به راه ناصواب کشیده شده اند یعنی نه تنها این بخش از نیروی انسانی در خدمت جامعه کلان و اهداف متعالی الهی نمی باشد بلکه به افزایش آسیب های اجتماعی همچون طلاق و مشکلات خانوادگی و جرایم حقوقی و کیفری کمک می کنند.

یکی از راه هایی که می تواند در کاهش این آسیب ها مثر ثمر واقع بشود این است که همزمان با شروع تحصیلات، استعدادسنجی لازم صورت بگیرد و هر فرد براساس نوع تیپ شخصیتی که دارد هدایت تحصیلی بشود و برنامه ریزی های لازم و امکانات لازم برای تحصیلات او فراهم بشود به عنوان مثال: فردی علاقه مند به پزشکی می باشد باید شرایط و امکانات

وبرنامه ریزی های سطح خرد در مدرسه و راهنمایی و دبیرستان به نحوی باشد که وی را آماده خدمت به جامعه کلان و بقای نظام نوع بشریت نماید یعنی حداقل مقدمات این امر به وی آموزش داده بشود.

### آیا صرف برنامه ریزی و تمهید امکانات لازم و هدایت تحصیلی می تواند به تنهایی ضامن تربیت نیروی متخصص و متعهد باشد؟

موارد مذکور شاید برای تخصص لازم باشد اما برای تعهد کافی نمی باشد چرا که هر فردی فارغ از مثال مذکور در پزشکی باید با حقوق و تکالیف خود در جامعه خرد و کلان آشنا بشود و بداند که یک سری از حقوق بنابر ضوابط قانونی و شرعی برای او وجود دارد و در کنار این حقوق، در برابر دیگران و قانون یک سری تکالیف دارد یعنی بدانند که تخطی از هر کدام یا انجام مواردی خلاف قانون چه مجازات یا مجازات هایی را برای خود فرد و خانواده و اطرافیانش به همراه خواهد داشت.

پس یک قاعده کلی دیگر در نظام آموزشی که پیشنهاد می شود رعایت بشود و در برنامه ریزی ها و اجرای طرح ها اعمال بشود، برنامه ریزی و اجرای طرح قانون در مدرسه است اما این طرح باید به شیوه ای جذاب و متناسب با مخاطبان هر مقطع طراحی و اجرا بشود، به عنوان مثال حقوق فردی و خانوادگی هر فرد به او، متناسب با سنی که در حال تحصیل است آموزش داده بشود، به عنوان مثال در مقطع دبیرستان با حقوق و حدود الهی آشنا بشود و بداند که شرب خمر مجازات شرعی و قانونی دارد یا دیگر جرایم به همین کیفیت، و در کنار این موارد فردی که در رشته ای خاص تحصیل می کند با قوانین و ضوابط و مقررات تخصصی رشته تحصیلی خود آشنا بشود مثلاً فردی که علاقه مند به طبابت است قوانین حقوقی و تخصصی مرتبط به طبابت و پزشکی برای او به نحو اجمالی یا تفصیلی به فراخور مقطع تحصیلی (مدرسه یا دانشگاه) بیان بشود یا اگر فردی به نظامی بودن علاقه مند است یا در حال همکاری با بسیج و سپاه پاسداران در قالب بسیجی است، قوانین لازم جهت حمل سلاح و ادوات نظامی و سایر مقررات مربوط، به او از طریق پایگاهی که در مدرسه یا مسجد است آموزش داده بشود.

در پاسخ به این سوال که چرا اصلاً باید چنین طرحی در مدارس و مراکز آموزشی اجرا بشود باید گفت که براساس قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان، فارغ از مفهوم قاعده که اگر مجازاتی سابقه علمی و بیانی نداشته باشد قبیح است یا موارد علم و جهل به بیان قانون در عقاب موثر است، باید متذکر شد که نفس بیان، خود عاملی بازدارنده از جرم و گناه است، چرا که به شواهد عقلی و نقلی در می یابیم که خداوند متعال برای راهنمایی بشریت در کنار وضع قوانین و مقررات و حدود و ضوابط الهی، پیامبر(ص) را جهت بیان و تبلیغ دین و رسالت فرستادند که این امر خود دلیلی بر حکمت الهی می باشد چرا که خداوند متعال حکیم است و کار عبث از حکیم به دور است، منظور از کار عبث این است که قانون وضع بشود اما کمتر کسی از افراد جامعه آن را بدانند اصلاً کسی آن را نداند.

طبق شواهد مذکور و عینی موجود در محاکم حقوقی و کیفری، تسامح و غفلت در مقام بیان توسط نهادهای ذی ربط در حوزه آموزشی، باعث می شود تا تقسیم کار به درستی صورت نگیرد و فقط بار مشکلات و حل کردن و رسیدگی به خیل عظیم پرونده های حقوقی و کیفری ناشی از آسیب های اجتماعی برعهده قوه قضائیه باشد در حالی که می توان با فرهنگ سازی حقوقی و فرهنگی صحیح تا حد زیادی به فراخور مقتضیات، حجم ورودی این پرونده ها را به محاکم حقوقی و کیفری کاهش داد.

**اجمالاً قاعده قبح عقاب بلا بیان به چه معنا می باشد؟**

مفاد قاعده اجمالاً آن است که مادام که عملی توسط شرع نهی نشده و آن نهی به مکلف ابلاغ نشده، چنانچه شخصی مرتکب گردد مجازات او عقلاً قبیح و زشت است و مادام که عملی توسط شرع واجب نشده و امر شارع به مکلف ابلاغ نشده، چنانچه شخصی ترک کند، مجازات او بر ترک فعل مزبور عقلاً قبیح و زشت است. باید دانست که قلمرو این قاعده وسیع‌تر از «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» در حقوق عرفی معاصر است؛ چرا که اصل قانونی بودن جرم و مجازات، راجع است به وضع قانون و به تبع آن به مراحل ابلاغ و انتشار آن؛ ولی فقها در مواردی که مکلف نه به علت تقصیر، بلکه به جهتی دیگر، نسبت به تکلیف صادره جاهل بوده است نیز به این قاعده تمسک کرده‌اند. به دیگر سخن، مراد از بیان در این قاعده، بیان واصل است نه بیان صادر. از این رو، دایره‌ی شمول آن وسیع‌تر از اصل قانونی بودن جرم و مجازات است.

**آیا جهل به قانون رافع مسئولیت می باشد؟**

ممکن است برای خواننده محترم این سؤال مطرح شود که اگر مفاد این قاعده، حکمی عقلی است، پس چرا در حقوق عرفی معاصر تحت عنوان یک اصل و قاعده مسلم شده است که جهل به قانون رافع مسئولیت نیست؟ آیا این اصل خلاف قاعده‌ی عقلی قبح عقاب بلا بیان است؟ به نظر می‌رسد اصل جهل به قانون رافع مسئولیت نیست؛ یک فرض قانونی و قضایی است؛ نه یک اصل ماهوی. توضیح اینکه فرض قانونگذار بر این است که پس از وضع قانون و طی مراحل ابلاغ و انتشار آن، اصل بر آن است که همه از قانون اطلاع و آگاهی خواهند داشت. بنابراین هرگاه کسی پس از قابل اجرا شدن قانون، مرتکب عمل ممنوعی شود صرف ادعای جهل موجب رفع مسئولیت او نیست؛ ولی در فرض اثبات، عقلاً مسئول شناخته نمی‌شود. البته در علم اصول فقه گفته‌اند که به هیچ وجه خطاب شرع نمی‌تواند مشروط به علم شود؛ چرا که چنین اشتراطی مستلزم مشکلات عقلی از جمله دور محال است. از این رو، جهل به قانون در فقه اسلامی عذر موجه محسوب می‌شود و رافع مسئولیت است و به هیچ وجه از علل موجهه‌ی مسئولیت نیست. به دیگر سخن، چنین نیست که در فرض جهل، جرم اتفاق نیفتاده؛ بلکه شخص جاهل مجازات نمی‌شود و به اصطلاح فقهی، مؤاخذه از جاهل مرتفع است. به عبارت دیگر، علم شرط تنجز تکلیف است نه شرط فعلیت آن. در فرض جهل، تکلیف فعلیت دارد؛ هر چند که منجز نیست که مجازات داشته باشد، و از این رهگذر شخص جاهل معذور محسوب می‌شود.<sup>۶</sup>

**منظور از بیان در قاعده قبح عقاب، چه می باشد؟**

ممکن است در نظر آید که مراد از بیان در این قاعده، تشریح اصلی است؛ هر چند به مکلف واصل نشده باشد. در نتیجه، چنانچه مرحله وضع، جعل و تشریح قانون منقضی شده باشد، مجازات شخص مرتکب قبحی نخواهد داشت. این برداشت با نظریه اکثر فقیهان امامی منطبق نیست. به نظر آنان تنجز تکلیف شرعی متوقف بر وصول به مکلف است؛ چرا که مجازات شخصی که بر تشریح قانون آگاهی نداشته باشد عقلاً زشت و قبیح است. از این رو بیان به کار رفته در قاعده را بر بیان واصل تفسیر کرده‌اند و بر این حکم عقلی از میان روایات و احادیث واصله از سوی پیشوایان دینی شواهدی اقامه نموده‌اند. از جمله آنکه محمد بن مسلم گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم: مردی را به اسلام خوانده‌ایم و او پذیرفته است. پس از آن، مرتکب شرب خمر، زنا و رباخواری شده است. به خاطر آنکه احکام اسلامی برای او بیان نشده است، آیا حد بر او جاری می‌شود؟ امام

<sup>۶</sup> محقق داماد مصطفی، ۱۳۸۳. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران - ایران: مرکز نشر علوم اسلامی.



(ع) در پاسخ فرمود: خیر، مگر آنکه اثبات شود که می‌دانسته این اعمال حرام‌اند. ۷. همچنین در حدیث دیگر آمده است که امام صادق (ع) فرمود: در زمان ابو بکر مردی را که مرتکب شرب خمر شده بود آوردند. شخص مزبور نزد ابو بکر اقرار کرد. ابو بکر پرسید: «چرا با وجود آنکه این عمل حرام است مرتکب شدی؟» پاسخ داد: «من بر حرمت آن آگاه نبودم و اگر می‌دانستم، چنین کاری نمی‌کردم.» خلیفه حیران شد، با عمر مشورت کرد، عمر گفت: «مسأله مشکلی است.» قضیه را نزد علی (ع) بردند. آن حضرت فرمود: «شخصی همراه او کنید و به مجالس مهاجران و انصار بگردانید، چنانچه کسی گواهی داد که برای شخص مرتکب، آیه مربوط به حرمت خمر تلاوت شده، مجازاتش کنید. در غیر این صورت، رهایش سازید.» به همین رأی عمل شد و چون کسی گواهی نداد رهایش ساختند. ۸ و ۹.

سید محمد طباطبایی، سبط وحید بهبهانی و از بزرگان علم اصول، می‌گوید: «بهتر است قاعده را چنین مطرح کنیم: اذا لم یصل الحکم، لم یکن عقاباً لقبیح التکلیف و العقاب حینئذ کما علیه جمیع ارباب العقول؛ ۱۰ هرگاه حکم واصل نشود، عقابی نخواهد بود؛ زیرا تکلیف و عقاب در این صورت قبیح است؛ همان طور که تمام صاحبان خرد بر آنند.» میرزای قمی می‌گوید: «و ان الثمر فی البیان هو البیان الواصل الی المکلف لا مطلق البیان؛ آنچه از بیان مثمر ثمر و مفید فائده است بیان واصل به مکلف است نه مطلق بیان.»

آخوند خراسانی می‌گوید: «و اما العقل فانه قد استقلّ بقبح العقوبه و المؤاخذه علی مخالفة التکلیف المجهول بعد الفحص و الیأس عن الظفر بما کان حجةً علیه فانها عقاب بلا بیان و مؤاخذه بلا برهان؛ ۱۱ عقل مستقل است در اینکه مجازات و مؤاخذه بر مخالفت با تکلیف مجهول بعد از فحص و یأس از دستیابی به چیزی که حجت و دلیل بر آن است، مجازات بدون بیان و مؤاخذه بدون دلیل است.»

مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی، دیگر اصولی نامدار قرن معاصر، می‌گوید: «و اما العقل فحکمه بالبراءة لقبیح العقاب بلا بیان واصل الی المکلف ممّا لا یکاد یخفی؛ ۱۲ حکم عقل به براءت بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چرا که عقل، عقاب بدون بیان واصل به مکلف را زشت و قبیح می‌داند.» ۱۳

### آیا قاعده فقهی قبح عقاب بلا بیان مدرک و مستند عقلی دارد؟

همان طور که گفته شد فقها این قاعده را عقلی می‌دانند؛ بدین معنا که معتقدند عقاب و مؤاخذه نسبت به فعل یا ترک فعلی که از سوی مقام تشریح برای شخص مرتکب، بیانی واصل نشده، قبیح است. باید دانست که این مسأله مبتنی بر نظریه ذاتی بودن حسن و قبح افعال است.

در کتاب «اصول فقه، دفتر دوم» موضوع این بحث و محل نزاع را در حد لازم تنقیح نموده ۱۴ و آورده‌ایم که از مهمترین و اصلی‌ترین مباحث در دانش عقلی اسلامی، موضوع حسن و قبح عقلی و دلیلیت عقل در استنباط احکام شرعی و مباحث

۷. رجل دعوانه الی جملة الاسلام فأقرّ به، ثم شرب الخمر و زنی و اکل الربا و لم یبین له شیئی من الحلال و الحرام اقیم علیه الحد اذا جهله؟ قال لا، الا ان یقوم علیه بینه انه قد کان أقرّ بتحريمها (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۲۴).

۸. کلینی، فروع کافی، ج ۷، ص ۲۴۹.

۹. محقق داماد مصطفی. ۱۳۸۳. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران - ایران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۱۰. طباطبایی، مفاتیح الاصول، ص ۵۱۸.

۱۱. خراسانی، کفایة الاصول، ج ۲، ص ۱۷۹.

۱۲. بروجردی، نهاية الافکار، (تقریرات درس آقا ضیاء الدین عراقی)، القسم الثاني من الجزء الثالث، ص ۲۳۵.

۱۳. محقق داماد مصطفی. ۱۳۸۳. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران - ایران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مستقلات عقلیه است. در اینجا نمی‌خواهیم تکرار کنیم؛ اما اجمالا ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که چنانچه بخواهیم حکم عقل را فرا راه اثبات حکم شرعی قرار دهیم، بایستی یک گزاره عقلی، از مستقلات عقلیه به حساب آید؛ یعنی عقلا از آن جهت که عاقل و خردمندند، با قطع نظر از هرگونه فرهنگ و عادات و رسوم و تعلیمات ادیان، بر آن حکم نمایند. چنانچه عقلا بر ارتکاب عملی آفرین گویند، آن عمل خوب و اگر بر ارتکاب آن نه آفرین (نفرین) گویند، آن عمل زشت و بد است. پس از به دست آوردن حکم عقل با پیوست کبرای قاعده ملازمه «کَلِّمًا حَكْمًا بِه الْعَقْلُ حَكْمًا بِه الشَّرْعُ»، حکم شرعی را استنباط می‌کنیم.<sup>۱۵</sup>

یکی از احکام مستقل عقلی، حسن عدل و قبح ظلم است. بیشتر کارهای خوب و بد بر اساس انطباق و عدم انطباق آن با صدق عنوان عدل و ظلم، محکوم به خوبی یا بدی خواهند شد؛ چون کارهایی ذاتا از نظر عقلی خوب یا بد نیستند؛ بلکه در فرض صدق ظلم و عدل، حکم خود را می‌یابند؛ مثلا صدق و کذب اگر چه مقتضی حسن و قبح‌اند، در عین حال ممکن است در بعضی از فرض‌ها به خاطر وجود شرایطی به خلاف مقتضای خود، متصف گردند؛ مثل صدقی که موجب فتنه و آشوب شود، بی‌گمان متصف به حسن نیست و کذبی که مانع خطر جانی شود متصف به قبح نخواهد بود؛ چرا که عناوین عدل و ظلم بر آنها منطبق نیست.

عقاب و مؤاخذه بر فعل یا ترک فعلی که به مرتکب هیچ‌گونه بیانی در مورد ممنوعیت و مجازات داشتن آن واصل نشده از مصادیق ظلم است؛ از این رو قبیح و زشت است و خردمندان، مجازاتگر را ستمگر دانسته، او را نفرین می‌کنند. آیت الله خویی می‌گوید: «انَّ الْعِقَابَ عَلٰی مَخَالَفَةِ التَّكْلِيفِ الْغَيْرِ الْوَاصِلِ، مِنْ اَوْضَحِّ مَصَادِقِ الظُّلْمِ؛<sup>۱۶</sup> مجازات کردن نسبت به مخالفت با تکلیفی که به مرتکب واصل نشده از واضح‌ترین مصادیق ستم است.»

در عبارت فقیهان پیشین، این تعبیر گاهی به گونه دیگری بیان شده است که البته به همین تقریر بازگشت می‌کند.<sup>۱۷</sup> علامه حلی می‌گوید: «متوجه ساختن تکلیف به کسی که آگاهی بر آن ندارد، خواستن امری خارج از توان و به اصطلاح تکلیف ما لا یطاق است و چنین تکلیفی قبیح است.»<sup>۱۸، ۱۹</sup>

به هر حال امروزه کسی نمی‌تواند بگوید که از قانون اطلاعی نداشتیم چرا که فرایند تصویب یک قانون به شکلی است که بعد از تصویب به صورت علنی ابلاغ عمومی می‌شود، اما کلیه طرح‌ها و قوانین ابلاغی را آحاد مردم مشاهده نمی‌کنند بلکه گروهی که بیشتر با آن سر و کار دارند آن را مشاهده می‌کنند و از آن اطلاع پیدا می‌کنند، پس نکته وقاعده مهم دیگر که به عنوان راه حلی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی موجود می‌باشد این است که مرحله بیان قوانین و مقررات و برنامه‌ها و طرح‌ها را جدی گرفته و برای بیان و کیفیت بیان چاره‌اندیشی لازم براساس مقتضیات زمانی و مکانی صورت بگیرد.

<sup>۱۴</sup> . محقق داماد، اصول فقه، دفتر دوم، صص ۱۲۶-۱۴۲.

<sup>۱۵</sup> محقق داماد مصطفی. ۱۳۸۳. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران - ایران: مرکز نشر علوم اسلامی.

<sup>۱۶</sup> . آیت الله خویی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۲۵۴.

<sup>۱۷</sup> محقق داماد مصطفی. ۱۳۸۳. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران - ایران: مرکز نشر علوم اسلامی.

<sup>۱۸</sup> . علامه حلی، مبادی الوصول الی علم الاصول، ص ۹۳ به بعد.

<sup>۱۹</sup> محقق داماد مصطفی. ۱۳۸۳. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران - ایران: مرکز نشر علوم اسلامی.

**برخی از ایده ها و راه حل هایی که می توان جهت بیان قوانین و مقررات از آنها استفاده کرد به شرح ذیل می باشد:**

- ۱- طراحی و اجرای طرح آموزش قانون در مدرسه
- ۲- طراحی انیمیشن های کوتاه حقوقی
- ۳- طراحی فیلم و سریال های حقوقی
- ۴- طراحی نرم افزارهای آموزشی حقوقی
- ۵- طراحی بازی های آموزشی و حقوقی
- ۶- نگارش کتاب های آموزشی و کمک آموزشی اصولی برای مقاطع تحصیلی
- ۷- برگزاری اردوهای بازدید از قوه قضائیه، سازمان امور زندان ها، و زیر مجموعه های دادگستری و بیان بخشی از آموزش های حقوقی توسط قضات محترم
- ۸- تهیه کلیپ و گزارش از عواقب زيانبار انتخاب و هدفگذاری غلط در زندگی و عدم رعایت قوانین با مستند سازی از عاقبت فردی مجرمان و متهمان
- ۹- تاسیس یک شبکه یا یک برنامه تلویزیونی در سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان شبکه حقوقی عدلیه جهت افزایش فهم عمومی از قوانین و مقررات و اطلاعات و اخبار حقوقی
- ۱۰- ایجاد طرح و امضای تفاهم نامه همکاری قوه قضائیه با آموزش و پرورش مبتنی بر جذب قاضی و وکیل بالقوه از مدرسه با تسهیل شرایط ویژه تحصیلی و نخبگان (همچون بورسیه و قوانین خاص معافیت از سربازی در ازای تعهد خدمت برای قضات و وکالت و کلا در دفتر حقوقی حمایت از ایثارگران و سایر نهادهای معاضدت... به صورت تبرعی یا با هزینه پایین تر از تعرفه قانونی با مدت مشخص در ازای معافیت از سربازی) و تاسیس و تقویت ظرفیت مراکزی جهت اجرای تخصصی این طرح، همچون دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری و مجتمع فقه و حقوق قضای اسلامی.

**گام چهارم: ارزیابی عملکرد و نتایج عملی یک معلم**

یک قاعده کلی در برنامه ریزی وجود دارد که باعث هدفمندی برنامه و اصلاح مشکلات برنامه و تقویت برنامه براساس ویژگی ها و منابع جدید می شود و آن هم حسابرسی نسبت به برنامه است به عنوان مثال: یک فردی که برای کنکور برنامه ریزی کرده و در حال مطالعه است باید انتهای هر روز قبل از خوابیدن، نحوه اجرای برنامه خود را ارزیابی کند تا ببیند که تاچه مقدار در اجرای طرح و برنامه ایی که براساس موازین فکری و توان خود طراحی کرده موفق بوده است.

این مثال جهت تقریب به ذهن یا نزدیک کردن ذهن مخاطب به مساله می باشد اما دین ما مبنای برنامه ریزی را قبل از هر چیزی به ما آموخته است. خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۱۸ سوره حشر<sup>۲۰</sup> به لزوم حسابرسی تاکید دارند و از پیام های این آیه می فهمیم که هرچقدر یک انسان با تقوا باشد و از نفس خود حسابرسی کند یعنی به نفس اعمال خود بیشتر دقت نماید که چه توشه ایی برای فردای خویش آماده کرده یا چه کارهای بدی انجام داده است به همان میزان در اجرای موازین شرعی و برنامه های خود جهت اصلاح نفس موفق خواهد بود چراکه می داند وقت کم است منابع عمر محدود است و روز موعود فرا می رسد و با محاسبه نفس فریب ظواهر را نمی خورد و سعی در اصلاح اعمال خویش خواهد داشت.

<sup>۲۰</sup> يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۸﴾

اما در مساله مذکور در ارتباط با ارزیابی عملکرد یک معلم، نهاد آموزش و پرورش براساس مراتب موجود بایدنسبت به نظارت و ارزیابی عملکرد معلمان و استفاده از نظرات کارشناسان دینی و فرهنگی و اجتماعی و حقوقی اهتمام ویژه داشته باشد. دانش آموزان در مدرسه همچون محصولی در حال تولید کارخانه اند و در اجتماع همچون محصول نهایی آماده مصرف، بنابراین بهترین ارزیابی عملی از یک معلم خروجی های او می باشند، البته لازم به ذکر است خوب یا بد بودن دانش پذیران یک معلم دلیل بر خوب یا بد بودن یک معلم نمی باشد اما معیاری است که آموزش و پرورش به معلم خود ابلاغ کند که نسبت به چه مواردی نیاز جدی به تعلیمات بیشتر و تخصصی برای دانش آموزان وجود دارد.

### گام پنجم: همکاری و نظارت سایر ارگان های نظارتی بر عملکرد آموزشی و پرورشی

باتوجه به موارد مذکور نقش و جایگاه آموزش قانون در مدرسه بر هیچ اهل فکری پوشیده نخواهد بود اما طراحی و اجرای بهترین برنامه آموزشی نیازمند همکاری و نظارت سایر ارگان های نظارتی می باشد، چرا که نظارت بر معلم از وظایف نهاد آموزش و پرورش است اما نظارت بر کیفیت تعلیم و تربیت و تقدیم گزارش های نظارتی جهت تصحیح آسیب های اجرای برنامه به نهاد های نظارتی و بالادستی نیازمند می باشد.

به عنوان مثال در یک کلاس درس ۳۵ نفری، بعضی از دانش آموزان در مقطع دبیرستان به اتهام مزاحمت برای بانوان در معابر عمومی و بعضی دیگر به اتهام مصرف مشروبات الکلی و رانندگی با حالت مستی و جرایمی از این قبیل تحت تعقیب قضایی قرار می گیرند نظارت آموزش پرورش در حیطه مدرسه است و در واقع این نهاد از وقایع خارج از حوزه کاری خود برای دانش آموز اطلاعی ندارد این جا اگر آسیبی مشاهده بشود با همکاری نهادهای نظارتی می توان به مقامات مربوط در حوزه آموزش و پرورش اطلاع داده شود، که در کدام بخش از اجرای مفاد طرح آموزشی و فرهنگی تسامح صورت گرفته یا نسبت به کدام مورد براساس شواهد عینی باید اهتمام ویژه صورت بگیرد.

یا در جای دیگر در مواجهه با معضل بدحجابی یا بی حجابی توسط دانش آموزان یا دانشجویان یک مرکز یا موسسه علمی و آموزشی نهاد های نظارتی می توانند با گزارش معضل و مشکلات مذکور به افراد ذی ربط در حوزه آموزش و پرورش، اطلاع بدهند که این موارد همچون فلسفه حجاب و پوشش و تبیین پوشش صحیح اسلامی و فواید و مزایای آن نیازمند اهتمام ویژه در فرایند آموزش می باشد.

به طور کلی انسان همه چیز را صد درصد نمی تواند به خاطر داشته باشد و احتمال هرگونه نسیان و فراموشی از انسان می رود بنابراین وجود یک نهاد نظارتی جهت نظارت بر عملکرد صحیح اجرای طرح ها الزامی می باشد تا در مواقع ضروری و هرچاکه فراموشی غلبه وجودی داشته باشد، تذکر لازم جهت اصلاح آسیب ها به نهاد آموزشی مربوط داده بشود.

### نتیجه گیری:

آموزش قانون در مدارس، یک معیار مهم است که نقش بسیار مهم و ضروری در جلوگیری از آسیب های اجتماعی و کاهش جرایم کیفری دارد. در واقع این موضوع با تاکید بر این مطلب مهم است که آموزش قانون به دانش آموزان، آن ها را با حقوق و وظایف شهروندی و مبانی شرعی و قوانین و مقررات حاکم بر جامعه اسلامی آشنا می کند و باعث ارتقای فرهنگ حقوقی در جامعه می شود. از طرف دیگر آموزش اصولی و منطقی و هدفمند در تمام مقاطع تحصیلی نیازمند همکاری معلمان و استادان متخصص است تا بتوانند مفاهیم قانونی را به شیوه ای که برای دانش آموزان قابل فهم باشد، بیان کنند پس بنابراین با توجه به

نیاز های موجود در جامعه فعلی باید یک برنامه منظم و منسجم طراحی بشود که در آن از ابتدا معیارهای انتخاب معلم و آموزش های خاص به او و کلیه مراحل مذکور در بحث را برای انتقال مفاد و مبانی قانونی و موازین شرعی به مخاطب خود را که دانش آموزان و دانش پژوهان هستند داشته باشد چون که در حقیقت طراحی و اجرای برنامه های درسی با تأکید بر آموزش قوانین و مقررات می تواند به عنوان یک استراتژی و یک نقشه بسیار موثر برای کاهش حجم ورودی پرونده های حقوقی و کیفری به محاکم دادگستری عمل کند.

این برنامه ها نه تنها به دانش آموزان کمک می کنند تا از آثار منفی نقض قوانین پرهیز کنند، بلکه نیز به آن ها می آموزند که چگونه به عنوان یک شهروند قانون مدار، مسئولیت پذیر و آگاه به حقوق و تکالیف خود، به جامعه خدمت کنند و بدانند که اگر تخلفی صورت بگیرد هرکس براساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل مجازات شخصی و انفرادی متعهد بوده و باید پاسخگوی تخلفات خود نسبت به قانون باشد.

از طرف دیگر، طرح آموزش قوانین و مقررات در مدارس می تواند از طریق تربیت نیروی کار متخصص و متعهد در حوزه حقوق و قضاوت و وکالت، به بهبود سیستم آموزشی کمک کند چون که آسیب پذیر ترین قشر در جامعه شاید از همین مقاطع تحصیلی پایین تر باشند. این اقدامات نه تنها از مقطع تحصیلی دبیرستان شروع می شوند، بلکه این قابلیت وجود دارد که از مقاطع تحصیلی پایین تر همچون راهنمایی و دبستان، مبانی اولیه به صورت کلیات، متناسب با سنین مختلف به صورت جذاب برای آن ها بیان بشود. با توجه به این نتایج، می توان نتیجه گرفت که توسعه برنامه های آموزشی با تأکید بر قوانین و مقررات، به شدت در جلوگیری از ارتکاب جرم و تقویت انضباط اجتماعی و فرهنگ سازی حقوقی تأثیرگذار است. بنابراین، فرهنگ سازی حقوقی و قضایی به همراه همکاری مؤثر نهادهای آموزشی و نظارتی، می تواند به تحقق این اهداف اساسی در سیستم آموزشی کمک کند. از طرف دیگر، آموزش قانون در مدارس به عنوان یک ابزار برای تقویت ارتباط بین قانون و شهروندان، نقش مهمی ایفا می کند که باید از طریق توسعه سیاست ها و برنامه ریزی های مناسب، به تأمین منابع و تجهیزات لازم برای آموزش مناسب و موثر در حوزه قانون، جهت کاهش آسیب های اجتماعی و جرایم کیفری اقدامات لازم انجام بشود.

به این ترتیب، امکان ایجاد جامعه ای قانون مدار و افزایش اعتماد شهروندان به نظام قضایی و حقوقی کشور ارتقا می یابد. بنابراین، با توجه به اینکه آموزش قانون در مدارس اثربخشی بالایی در جلوگیری از ارتکاب جرم و همچنین تقویت ارتباطات و حفظ نظم اجتماعی دارد بنابراین؛ توسعه و تقویت این برنامه ها در سیستم آموزشی باید به عنوان یک اولویت مهم برای طراحان و تصمیم گیران برنامه آموزشی مدنظر قرار گیرد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- بروجردی، محمدتقی، *نهایة الافکار (تقریرات درس آقا ضیاء الدین عراقی)*، چاپ سوم، قم-ایران، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم - مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ قمری
- ۳- جهامی، جیرار، *الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي و الإسلامی*، چاپ اول، بیروت- لبنان، مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۶ میلادی.
- ۴- حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، چاپ سوم، قم-ایران، موسسه آل البيت علیهم السلام لاءحیاء التراث، ۱۴۱۶ قمری.
- ۵- خراسانی، محمدکاظم بن حسین، *کفایة الاصول*، چاپ اول، قم- ایران، موسسه آل البيت علیهم السلام لاءحیاء التراث، ۱۴۰۹ قمری.
- ۶- زائرپور، بشیر و عابدی، عبدالرضا، ۱۴۰۲، روانشناسی و آسیب های اجتماعی و روانی، دومین کنفرانس ملی آسیب های اجتماعی و روانی باتاکید بر علوم رفتاری، شیراز، <https://civilica.com/doc/1754261>
- ۷- طباطبایی، سید محمدبن علی، *مفاتیح الاصول*، چاپ اول، قم- ایران، موسسه آل البيت علیهم السلام لاءحیاء التراث، ۱۲۹۶ قمری.
- ۸- علامه حلی، حسن بن یوسف، *مبادی الوصول الی علم الاصول*، چاپ دوم، قم-ایران، المطبعة العلمیة.
- ۹- قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱.
- ۱۰- کلینی، محمدبن یعقوب، *فروع الکافی*، چاپ چهارم، تهران-ایران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ قمری.
- ۱۱- محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه (بخش جزایی)*، چاپ دوازدهم، تهران- ایران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳ شمسی.
- ۱۲- محقق داماد، سیدمصطفی، *مباحثی از اصول فقه دفتر دوم*، چاپ اول، تهران - ایران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۲ شمسی.
- ۱۳- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، چاپ هفتم، قم- ایران، صدرا، ۱۳۷۶ شمسی
- ۱۴- معلوف، لوئیس، *المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة*، چاپ اول، لبنان-بیروت، دارالمشرق، ۲۰۰۰ میلادی.
- ۱۵- واعظ حسینی، محمدسرور (مقرر)، *مصباح الاصول*، چاپ اول، قم - ایران، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.